

واکاوی حکم تعدد جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران*

- امین فلاح^۱
- حسن حاجی تبار فیروزجائی^۲

چکیده

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حکم خاصی را درباره تعدد جرایم اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نکرده است. این سکوت قانون‌گذار سبب اختلاف نظر در میان دکتربین حقوق و رویه قضایی شده است. نگارندگان در این نوشتار با به کارگیری روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای و با هدف ارائه یک راه حل منطقی راجع به حکم تعدد جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال، ضمن بررسی دیدگاه‌های گوناگون و با تکیه بر موازین قانونی و اصول کلی حقوق جزا و در پاسخ به این سؤال که آیا مقررات عام تعدد جرم درباره کلیه افراد زیر ۱۸ سال (اعم از اطفال و افراد بالغ زیر ۱۸ سال) از حیث اعمال مجازات و اقدامات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
(fallahamin@yahoo.com).

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول)
(hajitabar@yahoo.com).

تأمینی قابل اعمال است؟ به این نتیجه دست یافته‌اند که با توجه به صراحت ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دلالت مفهوم مخالف ماده ۱۴۸ این قانون بر اعمال مجازات درباره افراد بالغ، اشاره صریح قسمت اخیر ماده ۹۱ قانون مزبور به واژه «مجازات» درباره افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی و نیز اطلاق عبارت «یکی از تصمیمات ذیل...» در قسمت صدر ماده ۸۸، مقررات تعدد جرم درباره کلیه افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی که واکنش اجتماعی علیه آنان از نوع مجازات محسوب می‌شود، قابل اجراست.

واژگان کلیدی: طفل، نوجوان، تعدد جرم، مجازات، اقدامات تأمینی.

مقدمه

یکی از اسباب عام تشدید مجازات، مسئله تعدد جرم می‌باشد. در تعریف تعدد جرم آمده است:

«ارتکاب جرایم متعدد، بدون آنکه علیه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود، محکومیت کیفری قطعی صادر شده باشد؛ خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد» (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۷۲/۳).

یا تعدد جرم عبارت است از:

«ارتکاب دو یا چند جرم توسط یک نفر در فاصله‌های زمانی مختلف بدون آنکه یکی از اتهام‌های مرتکب به محکومیت قطعی رسیده باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۰).

اما با توجه به مواد ۱۳۱ تا ۱۳۴ و ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، تعدد جرم عبارت است از: ارتکاب دو یا چند جرم از سوی شخصی به گونه‌ای که محکومیت قطعی برای جرم اول یا هر یک از جرایم قبلی وجود نداشته باشد.

در حقوق جزا از یک‌سو، بر مبنای اندیشه طرفداری از اصل فردی کردن مجازات‌ها، این اعتقاد وجود دارد که به اقتضای منطق، عدالت و انصاف و در راستای اصل تناسب مجازات با درجه مجرمیت، سوءنیت، تباهی اخلاقی یا خطرناکی مجرم، باید میان

کسی که یک بار مرتکب جرمی گردیده با کسی که به کرات مقررات اجتماعی را نقض نموده است، به طور یکسان برخورد نشود و در قبال شخص اخیر به لحاظ ارتکاب جرائم متعدد باید قائل به اتخاذ یک نوع سیاست کیفری تشدیدى شد (برای نمونه ر.ک: پیمانی، ۱۳۷۴: ۶؛ الهام، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۳). از سوی دیگر، اندیشمندان حقوق کیفری اطفال در کنار اصل تفسیر مضیق، قائل به پذیرش اصل تفسیر کودک مدارانه می باشند؛ یعنی در راستای تأمین مصالح و منافع کودکان، قواعد و مقررات جزایی به ویژه در استناد و احراز جرم و تعیین واکنش اجتماعی (مجازات و یا اقدامات تأمینی) باید به نفع کودک تفسیر شود؛ چرا که هدف از تعیین مقررات کیفری و مجازات درباره اطفال بزهکار، همان اصلاح و درمان است که بر ارباب و مجازات تقدم دارد. اصل تفسیر کودک مدارانه در ماده ۳ از اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری اطفال مصوب ۱۹۹۸ معروف به مجموعه قواعد ریاض نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (ر.ک: شاملو، ۱۳۹۰: ۱۰۰؛ عباچی، ۱۳۸۸: ۵۳). به عبارت دیگر، در حقوق کیفری اطفال و نوجوانان از رهگذر آموزه‌ها و یافته‌های حقوق بشری و جرم‌شناسی، پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان باید مبتنی بر رعایت انصاف (حق بر متفاوت بودن انسان‌ها در فرایند کیفری و جنبه حمایتی داشتن پاسخ به بزهکاری آنان در مقایسه با بزرگسالان بزهکار) و سیاست رواداری کیفری توسط قانون‌گذار کیفری (برخورد مداراگرایانه با اطفال و نوجوانان بزهکار) بوده باشد (نیازپور، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۵). این در حالی است که قانون‌گذار ایران در سیر تحولات قانون‌گذاری مختلف، تکلیف این مسئله را مشخص نکرده است که در باب جرائم متعدد ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان، از کدام یک از دو اندیشه فکری فوق (یعنی سیاست کیفری تشدیدى یا سیاست تفسیر کودک مدارانه) باید تبعیت کرد؟ به عبارت دیگر، در ادوار قانون‌گذاری مختلف ایران از ابتدا تا کنون یعنی تا آخرین اصلاحات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۹، هیچ مقرره خاصی درباره حکم تعدد جرائم اطفال و نوجوانان وضع نشده و همین امر باعث ایجاد اختلاف نظر و برداشت‌های گوناگون به ویژه در سطح رویه قضایی شده است.

از این رو، سؤال اساسی پیرامون موضوع این است که آیا مقررات عام تعدد جرم، درباره کلیه اشخاص زیر سال ۱۸ سال (اعم از اطفال و افراد بالغ زیر ۱۸ سال) از حیث

اعمال مجازات و اقدامات تأمینی قابل اعمال است؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید مشخص شود که ماهیت واکنش اجتماعی تعیینی در قبال این اشخاص از سوی قانون‌گذار چیست؟

در این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با هدف ارائه یک تفسیر منطقی و غایی از موضوع در پاسخ به سؤالات فوق به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی در صدور احکام مربوط به تعدد جرم اطفال و نوجوانان، ابتدا به بیان دیدگاه‌ها در خصوص حکم تعدد جرم در رابطه با اطفال و نوجوانان (اشخاص زیر ۱۸ سال) و دلایلیشان به طور جداگانه که مشتمل بر تبیین دیدگاه حقوقی در خصوص اعمال یا عدم اعمال مقررات تعدد جرم درباره این اشخاص است، پرداخته و سپس به تبیین دیدگاه حقوقی عدم اعمال مقررات تعدد جرم در مورد اشخاص تحت شمول اقدامات تأمینی و تربیتی خواهیم پرداخت.

۱. تاریخچه قانون‌گذاری ایران درباره تعدد جرایم اطفال و نوجوانان

در خصوص سیر تحولات قانون‌گذاری کشور ایران در ادوار مختلف، پیرامون تعدد جرایم اطفال و نوجوانان، می‌توان گفت که در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ صراحتاً در خصوص تعدد جرم، حکم مشخصی پیش‌بینی نشده بود و فقط ماده ۳۸ این قانون، مقررات تکرار جرم را نسبت به اطفال جاری ندانسته بود تا اینکه در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۱۲، ماده‌ای در خصوص مقررات تعدد جرم به قانون آیین دادرسی کیفری الحاق گردید.^۱ لیکن در این قانون نیز حکم خاصی درباره تعدد جرایم اطفال و نوجوانان وضع نشده بود. متعاقباً قانون‌گذار در مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲، مقررات تعدد جرم را پیش‌بینی نمود.^۲

قانون‌گذار ایران در اولین قانون مدون جزایی بعد از انقلاب در مواد ۲۴ و ۲۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و سپس در مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مقررات تعدد جرم را پیش‌بینی نمود؛ لیکن در این قوانین، در

۱. ماده ۲ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰.

۲. ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲: «... بند ط- مقررات مربوط به تکرار و تعدد جرم درباره اطفال بزهکار رعایت نمی‌شود».

باب حکم تعدد یا تکرار جرم در مورد جرایم اطفال و نوجوانان، هیچ مقررهای وضع نشده بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار بر خلاف مقررات تکرار جرم (ماده ۱۳۸)، درباره اعمال و یا عدم اعمال مقررات تعدد جرم با لحاظ نوع واکنش اجتماعی (مجازات و اقدامات تأمینی) قابل اجرا و یا کیفیت اعمال آن درباره جرایم اطفال^۱ و نوجوانان^۲ هیچ حکم خاصی را وضع نکرده و همین امر باعث ایجاد اختلاف نظر و برداشت‌های گوناگون به ویژه در سطح رویه قضایی شده است و علی‌رغم اصلاح ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به موجب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در جهت رفع این ابهام اساسی حقوقی و قضایی اقدام نکرده است که در ادامه به بیان دیدگاه‌های مختلف در این باره خواهیم پرداخت.

۱. در اصطلاح حقوقی، «طفل» به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده است (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۰۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۰۶ و ۴۳۰). در اصطلاح فقهی نیز طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۳: ۲۰/۳). در حقوق ایران، براساس صراحت تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است». لیکن در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در تعریف طفل بیان شده است: «طفل هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است. سن بلوغ به تفکیک جنس در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است» (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

۲. اگرچه قانون‌گذار ایران، واژه «نوجوان» را در کنار واژه «طفل» در قوانین جزایی از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به کار برده است، لیکن این دو واژه از همدیگر متفاوت می‌باشند. قانون‌گذار ایران تعریفی از این واژه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ارائه نکرده است، لیکن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در تعریف طفل بیان نموده است: «طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است» و در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در تعریف طفل بیان شده است: «طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است». بنابراین می‌توان گفت: نوجوانی با پدیده‌ای به نام بلوغ شروع می‌شود. به عبارت دیگر، در حقوق جزای ایران نوجوانی دوره‌ای بین طفولیت و بزرگسالی است که با توجه مواد قانونی فوق‌الذکر و نیز مواد ۸۸، ۸۹ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شروع آن از دوره بلوغ (سن نه و پانزده سال تمام قمری به ترتیب نسبت به دختران و پسران) و پایان آن سن ۱۸ سال تمام شمسی در دختران و پسران است. بنابراین بر اساس حقوق جزای ایران، نوجوان به دختر و پسر بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، دختر بین ۹ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی و پسر بین ۱۵ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی نوجوان محسوب می‌شود.

۲. گستره اعمال مقررات تعدد جرم راجع به اطفال و نوجوانان در

حقوق موضوعه ایران

درباره امکان و یا عدم امکان شمول مقررات تعدد جرم درباره جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران، سه دیدگاه متفاوت وجود دارد: الف- دیدگاه اعمال مقررات تعدد جرم درباره اطفال و نوجوانان؛ ب- دیدگاه عدم اعمال مقررات تعدد جرم درباره اطفال و نوجوانان پ- دیدگاه بینابین. در ادامه، به تبیین هر یک از دیدگاه‌ها و استدلال طرفداران هر یک می‌پردازیم.

۱-۲. شمول مقررات تعدد جرم درباره اطفال و نوجوانان

بر طبق یک دیدگاه، مقررات عام تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی^۱ در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار اجرا می‌شود؛ چرا که اولاً، با توجه به اینکه ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اطلاق دارد، قانون‌گذار با پیش‌بینی مطلق آن، زمینه تسری و اعمال آن را به بزهکاری اطفال و نوجوانان فراهم ساخته (توجهی، ۱۳۹۵: ۱۹۵) و تفاوتی بین اطفال و نوجوانان با بزرگسالان قائل نشده است؛ بنابراین حکم عام تعدد جرم درباره این اشخاص نیز اعمال می‌گردد.^۲

۱. ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی مقرر می‌دارد که در تعدد جرایم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح ذیل است: الف- هر گاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرایم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند. ب- در مورد جرایم مختلف، هر گاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرایم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است. پ- چنانچه جرایم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

۲. نظریه اکثریت قضات شهر استهبان فارس در نشست قضایی با کد نشست ۱۳۹۷-۴۶/۲۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۹ منتشر شده در سامانه نشست قضایی مؤید این استدلال و چنین است: «با توجه به اطلاق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اعمال مقررات تعدد جرم نمی‌توان تفکیکی راجع به جرایم اطفال و نوجوانان و سایر مجرمین قائل شد و قانون‌گذار صرفاً مقررات تکرار جرم را راجع به اطفال قابل اعمال ندانسته است و از آنجایی که ممنوعیت صریح قانونی در مورد اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان وجود ندارد، لذا به نظر می‌رسد ماده ۱۳۴ مذکور اطلاق دارد و اعمال آن در مورد اطفال بلاشکال است» (برگرفته از وبگاه: <<https://www.neshast.org>>، تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰).

ثانیاً، موضوع تعدد جرم در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق ایران دارای سابقه تقنینی بوده و قانون‌گذار با آگاهی از این سابقه تقنینی، فقط عدم شمول مقررات تکرار جرم را در ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی نموده است و اگر نظر قانون‌گذار بر عدم شمول مقررات تعدد جرم در مورد اطفال و نوجوانان بود، همانند ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، صراحتاً این امر را پیش‌بینی می‌نمود و قانون‌گذار با آگاهی از پیشینه تقنینی فقط شمول مقررات تکرار جرم را در مورد اطفال نپذیرفته و هیچ ممنوعیت صریح قانونی در خصوص عدم امکان اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص این اشخاص وجود ندارد و عدم شمول حکم تکرار جرم در خصوص اطفال به لحاظ نص قانونی است، ولی در مورد تعدد جرم چنین حکمی وجود ندارد.^۱ ثالثاً، تعدد از جهات تشدید جهت تعدیل است و به نفع این اشخاص است؛ چرا که چند جرم مرتکب می‌شود و تنها یکی از مجازات‌ها یعنی مجازات اشد اجرا می‌شود و با توجه به قاعده جمع مجازات‌ها، پذیرش قاعده حداکثر مجازات‌ها یک کیفیت مخففه محسوب می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲/۲۷۸). دادنامه شماره ۹۸۱۲۱۵-۹۸۱۲۱۴/۱۲/۲۷-۹۸۰۹۹۷۱۵۱۲۱۰۱۵۶۹ صادره از شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری در پرونده به شماره بایگانی ۹۸۱۲۱۵-۹۸۱۲۱۴ دلالت بر پذیرش دیدگاه اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص نوجوانان بزهکار دارد.^۲ البته در تحلیل آرای مزبور می‌توان گفت که به موجب اصل ۱۶۶ قانون اساسی، حکم دادگاه باید مستند و مستدل

۱. رأی شماره ۸۵۱۵-۱۹/۰۳/۱۳۱۹ یکی از شعب دیوان عالی کشور، مؤید این استدلال است (صانعی، ۱۳۷۶: ۲/۲۷۸).

۲. در متن دادنامه مزبور چنین آمده است: «در خصوص اتهام آقای... فرزند... ۱۵ ساله بازداشت با قرار کفالت دایر بر سرقت ۱۵ رأس گوسفند... و چاقوی قصابی ۲ عدد و مموری و فلش و ساعت متعلق به... و سه عدد ماهی متعلق به... موضوع کیفرخواست شماره ۹۸/۶۸۲۱-۹۸/۲۵-۹۸/۹ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان دادگاه با توجه به شکایت شاکیان و گزارش مرجع انتظامی و اقرارهای متهم به سرقت اموال شاکیان و دادن به فردی دیگر به نام آقای... بزه‌های انتسابی به وی محرز است و به استناد ماده ۶۵۶ و ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی و بند پ ماده ۸۹ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی متهم را به تحمل سه فقره نگهداری در کانون اصلاح به مدت یک سال و رد اموال فوق به شاکیان و یا مثل با قیمت آن محکوم می‌نماید. این رأی حضوری و پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان مازندران می‌باشد.»

باشد. هرچند در این رأی، مقام قضایی ضمن پذیرش این دیدگاه، مقررات تعدد جرم را از حیث تشدید واکنش اجتماعی اعمال نموده است، لیکن در جهت اجرای قانون و نیز ایجاد تحول در رویه قضایی لازم است که علاوه بر استناد قانونی، رأی صادره مستدل باشد تا مبانی چنین اتخاذ تصمیمی برای مخاطب روشن بوده باشد؛ به ویژه در این فرض که شمول یا عدم شمول مقررات تعدد جرم در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار از ابهامات قانونی است؛ چرا که صراحت قانونی درباره اعمال و یا عدم اعمال مقررات تعدد جرم در قبال این اشخاص وجود ندارد؛ زیرا هرچند دادگاه در این دادنامه، اشاره به ماده ۱۳۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و محکومیت مرتکب به سه فقره مجازات به استناد قسمت صدر ماده مزبور تا قبل از اصلاح این قانون در سال ۱۳۹۹ داشته است و این به منزله پذیرش اعمال مقررات تعدد جرم در این دادنامه می‌باشد، ولی ایراد فنی وارده این است که لازم بود دادگاه در ادامه دادنامه به طور مشخص تصریح می‌کرد که از باب اعمال مقررات تعدد جرم به استناد قسمت اخیر ماده مزبور، فقط مجازات اشد قابل اعمال است. البته شاید بتوان این ایراد را ناشی از روشن نبودن موضع قانون‌گذار در خصوص اعمال یا عدم اعمال مقررات تعدد جرم درباره اطفال و نوجوانان دانست. لذا به نظر می‌رسد سهم مراجع رسیدگی کننده به جرایم این اشخاص در تحول رویه قضایی، آن‌چنان که انتظار می‌رود، نمی‌باشد. از این رو، دلایل وقوع جرم و انتساب جرم به شخص متهم، توجه به مبانی، نحوه و چگونگی تعیین واکنش اجتماعی از سوی مقامات رسیدگی کننده خصوصاً در موارد ابهام، اجمال و سکوت قانون مورد انتظار، جدی است.

۲-۲. عدم شمول مقررات تعدد جرم درباره اطفال و نوجوانان

بر طبق یک دیدگاه دیگر، مقررات تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان اجرا نمی‌گردد؛ چرا که اولاً، هرچند قانون‌گذار ایران صراحتاً اعمال مقررات تعدد جرم در مورد اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی نکرده است، لیکن این عدم پیش‌بینی ناشی از قصور قانون‌گذار بوده و قانون‌گذار همانند پیش‌بینی عدم شمول مقررات تکرار جرم در مورد اطفال، نظر بر حمایت و ارفاق در مورد اطفال و نوجوانان داشته است (صانعی،

۱۳۷۶: ۲/۲۷۸). ثانیاً، هرچند ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اطلاق دارد، لیکن نظر به عدم تعیین تکلیف از سوی قانون‌گذار و نظر به اینکه قانون‌گذار در خصوص افراد زیر ۱۸ سال به طور جداگانه نسبت به تعیین واکنش اجتماعی در فصلی تحت عنوان «مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» در مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقدام نموده است و اساساً فلسفه تفکیک مجازات‌های افراد زیر ۱۸ سال از سایر افراد اقتضا می‌کند که مقررات مربوط به تعدد جرم در خصوص این افراد، قابلیت اعمال نداشته باشد، لذا مقررات تعدد جرم در خصوص این اشخاص قابلیت اعمال ندارد (مصدق، ۱۳۹۸: ۲/۸۳). ثالثاً، با توجه به تصریح ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و جاری نبودن مقررات تکرار جرم، اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص این اشخاص منتفی است.^۱ رابعاً، با در نظر داشتن این نکته که لزوم تنبیه در تکرار جرم، منظور اصلی قانون‌گذار بوده و با این کیفیت در مورد این قبیل اشخاص، اجرای آن را ممنوع نموده و به طریق اولی مقررات تعدد جرم در خصوص آنان قابل اعمال نبوده و مشمول قاعده کلی تعدد نمی‌گردد و رعایت احکام تعدد در این قبیل موارد، مخالف روح و فلسفه مراتب فوق‌الاشعار می‌باشد.^۲ دادنامه شماره ۱۰۰۲۶/۱۵۱۲۱۰۹۹۷۱۵۱۶/۱۶-۱۳۹۹ صادره از شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری در پرونده به شماره بایگانی ۹۸۰۶۴۸-۹۸۱۲۸۶-۹۸۱۲۲۷-۹۸، یک

۱. نظریه اقلیت قضات شهر استهبان فارس در نشست قضایی با کد نشست ۱۳۹۷-۴۶/۲۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۹ منتشرشده در سامانه نشست قضایی، مؤید این نظر است. نظر اقلیت چنین است: «به نظر می‌رسد مقررات مربوط به تعدد جرم در مورد اطفال و نوجوانان اعمال نمی‌شود؛ همچنان که موضوع تکرار جرم بر اساس ماده ۱۳۸ این قانون در مورد اطفال و نوجوانان منتفی است» (برگرفته از وبگاه: <https://www.neshast.org>، تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰).

۲. رأی اصراری شماره ۲۵-۲۰۰۱/۱۲/۱۳۲۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مؤید این استدلال است. رأی اصراری مزبور چنین است: «با توجه به اینکه در تاریخ تصویب قانون مجازات عمومی، اثرات تعدد جرم که فعلاً مورد رعایت می‌باشد، وجود نداشته و با التفات به ماده ۳۸ قانون مزبور که اجرای احکام تکرار جرم را در مورد اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند، ممنوع نموده و در نظر داشتن این نکته که لزوم تنبیه و تنبیه در تکرار جرم منظور اصلی قانون‌گذار بوده و با این کیفیت در مورد این قبیل اشخاص اجرای آن را ممنوع نموده و به طریق اولی در مورد تعدد، نظر قانون‌گذار بر تشدید مجازات این طبقه نمی‌باشد و رعایت احکام تعدد در این قبیل موارد، مخالف روح و فلسفه مراتب فوق‌الاشعار می‌باشد و حکم فرجام‌خواسته از این جهت مخدوش است و...» (متن، ۱۳۸۲: ۹۴).

نمونه از دادنامه‌ای است که دلالت بر پذیرش دیدگاه عدم امکان اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص اطفال و اشخاص تحت شمول اقدامات تأمینی و تربیتی دارد.^۱ این دسته از آرای صادره از دادگاه نیز از ضعف استدلال رنج می‌برند؛ در حالی که شایسته است دادگاه‌ها در هنگام صدور رأی علاوه بر استناد قانونی، به لزوم مستدل بودن آن از حیث توجه به مبانی و اصول حاکم بر حقوق جزا، نحوه و چگونگی تعیین واکنش اجتماعی از سوی مقامات رسیدگی‌کننده خصوصاً در موارد ابهام، اجمال و سکوت قانون در باب تعدد جرایم اطفال و نوجوانان توجه و اشاراتی داشته باشند.

از حیث بیان مبانی نظری و دلایل توجیهی پذیرش این دیدگاه مبنی بر عدم اعمال مقررات تشدید درباره اطفال و نوجوانان می‌توان به موارد ذیل استناد جست:

الف) عدم برچسب‌زنی: از دیدگاه نظریه برچسب‌زنی:

«... بزهکار بودن مجازات را نمی‌طلبد، بلکه مستلزم اقدامات اصلاحی و تربیتی و مراقبتی است و به این لحاظ طفلی که جرمی را انجام می‌دهد، -هرچند اگر از سوی بزرگسالان ارتکاب یابد، مستحق مجرمیت و مجازات است-، نباید آن‌ها را به این عنوان خطاب نمود؛ زیرا طبق نظریه برچسب‌زنی، موقعیت این اطفال به خطر خواهد افتاد، ... ضمن اینکه اعمال واکنش اجتماعی می‌تواند در افزایش رفتار جنایی مؤثر باشد و همچنین وابستگی به خودباوری مجرمانه را افزایش می‌دهد...» (عباچی، ۱۳۸۸: ۶۱).

بنابراین آنچه از دیدگاه طرفداران نظریه برچسب‌زنی قابل استنتاج خواهد بود این است که لااقل از اعمال مجازات درباره مجرمان، چه اطفال و نوجوانان و چه

۱. در متن دادنامه مزبور چنین آمده است: «در خصوص شکایت... علیه آقای... فرزند... ۱۱ ساله دایر بر تهدید کارکنان آن مرکز با چاقو و بنزین و نیز شکایت آقای... علیه متهم دایر بر سرقت گوشی آقای... و وجه نقد آقای... از داخل مغازه به مبلغ ۲۷۰ هزار تومان و نیز سرقت ۴۰ هزار تومان وجه نقد از داخل تاکسی آقای...، دادگاه صرف‌نظر از اعلام رضایت شکات و با توجه به شکایت اولیه آن‌ها و گزارشات مرجع انتظامی و اظهارات اقرارگونه متهم، بزه‌های انتسابی به وی را محرز دانسته و به استناد مواد ۶۱۷ و ۶۵۶ قانون تعزیرات و بند ث ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، متهم را به سه فقره نگهداری سه ماه در کانون اصلاح و تربیت محکوم و اعلام می‌نماید با توجه به اخذ رضایت شکات، به استناد ماده ۹۳ آن قانون، تمامی حبس وی به سه فقره ۲۲ روز یعنی ۶۶ روز تقلیل می‌یابد و با توجه به سابقه بازداشت وی در کانون، به مدت ۶۸ روز نگهداری وی مستهلک گردید. این رأی حضوری و پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان مازندران می‌باشد.»

بزرگسالان، به دلیل اثرگذاری منفی بر شخصیت آنان و سوق دادن به سمت بزهکاری ثانویه، اجتناب شود. وانگهی، طرفداران این نظریه به جای مجازات، بر به کارگیری تدابیر و اقدامات تأمینی درباره مجرمان در کنار توصیه‌ها و راهکارهای دیگر تأکید داشته‌اند که این امر یعنی اعمال اقدامات تأمینی درباره مجرمان به ویژه اطفال و نوجوانان، امروزه با رویکرد فلسفی و نظری حاکم بر نحوه پاسخ‌دهی به بزهکاری آنان مبتنی بر جنبه اصلاحی - درمانی و حمایتی بخشیدن به تدابیر اتخاذی در برابر رفتارهای بزهکارانه اطفال و نوجوانان، کاملاً با اصل تفسیر کودک‌مدارانه از قوانین جزایی منبث از اسناد بین‌المللی (از جمله ماده ۳ از اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری اطفال مصوب ۱۹۹۸ معروف به مجموعه قواعد ریاض) نیز همسویی دارد.

ب) آسیب‌پذیر بودن کودکان و نوجوانان: آنان به خاطر شرایط خاص جسمی، سنی، روانی و اجتماعی که در آن قرار دارند، در مقایسه با بزرگسالان آسیب‌پذیرتر بوده و بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند (زینالی، ۱۳۸۸: ۱۴). به عبارت دیگر، آسیب‌پذیری اطفال و نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان از لحاظ روحی، روانی و جسمانی به ویژه در برخی از جرایم خاص شدید بوده و از این رو، باید مورد مراقبت‌های اصلاحی و درمانی قرار گیرند (عباچی، ۱۳۸۸: ۴۷). مقصود این است که پذیرش و تسری سیاست کیفری تشدید مبنی بر اعمال مقررات تعدد جرم درباره اطفال و نوجوانان، با شرایط خاص روحی، عاطفی و جسمانی آنان و نیز ضرورت اصلاحی و درمانی بودن ماهیت پاسخ‌دهی به بزهکاری این افراد مغایرت خواهد داشت.

پ) اقتضای اصل تفسیر کودک‌مدارانه: همان طور که در مقدمه این نوشتار اشاره شده است، اقتضای اصل تفسیر کودک‌مدارانه از قوانین جزایی راجع به اطفال و نوجوانان و لزوم برخورد مداراگرایانه با آنان به عنوان اشخاص آسیب‌پذیر و نیز اتخاذ اصل انصاف در پاسخ‌دهی به بزهکاری آنان از طریق متفاوت انگاشتن این دسته از افراد بزهکار در مقایسه با بزرگسالان بزهکار و جنبه حمایتی بخشیدن به پاسخ‌های ناظر بر بزهکاری افراد زیر ۱۸ سال نیز چنین است که از اتخاذ رویکرد تشدید مبنی بر اعمال مقررات تعدد جرم درباره آنان اجتناب شود (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: شاملو، ۱۳۹۰: ۱۰۰؛

عباچی، ۱۳۸۸: ۵۳؛ نیازپور، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۵).

ت) شاو و مکی حتی فراتر از آن قائل به عدم توسل به پاسخ کیفری درباره بزهکاری اطفال و نوجوانان هستند. آنان پس از انجام تحقیقاتی راجع به بزهکاری نوجوانان در شهر شیکاگو و تبیین علل افزایش بزهکاری آنان، در خصوص پاسخ کیفری (مجازات) به جرایم نوجوانان به نتیجه مشابهی دست یافته و نشان دادند که پاسخ کیفری به جرایم در چنین وضعیتی نه تنها فایده ندارد، بلکه تالی فاسد هم دارد؛ زیرا تکیه بر مجازات برای اصلاح و درمان مجرمان در واقع به این معناست که بزهکاران خود را با الگوهای جامعه سازگار کنند و حال آنکه قبل از رفتن به زندان، این الگوها یا نبوده و یا اگر هم بوده، دچار نوعی از هم پاشیدگی بوده است. وانگهی، برنامه‌های اصلاحی زندان و کانون‌های اصلاح بیشتر صورتگرایی است و اساسی و ریشه‌ای نیست. بنابراین آن‌ها به جای مجازات، پیشنهاد پیشگیری می‌کنند و دو نکته را بیان می‌دارند: اولاً، پیشگیری باید از ساماندهی محله‌ها و گروه‌ها شروع و به مرمت و عمران محله‌ها ختم شود. ثانیاً، پیشگیری از جرم باید با کمک اعضای محله انجام شود (جعفری، ۱۳۸۷: ۳۰۴-۳۰۵).

۳. دیدگاه بینابین

طرفداران قائل به این دیدگاه معتقدند که باید میان اطفال و افراد بالغ زیر ۱۸ سال (نوجوانان) به شرح توضیحاتی که در پی می‌آید، تفاوت قائل شد. با توجه به اینکه مقررات تعدد جرم ناظر بر مجازات است و مجازات یکی از انواع واکنش‌های اجتماعی در قبال رفتارهای مجرمانه ارتكابی از سوی اشخاص می‌باشد و شامل اقدامات تأمینی و تربیتی نمی‌شود، پرسش قابل طرح آن است که ماهیت واکنش‌های اجتماعی در قبال این اشخاص خصوصاً تصمیمات قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قبال دختران بالغ زیر ۱۵ سال چیست؟ آیا مجازات محسوب می‌شود یا اقدامات تأمینی؟ در این قسمت، ابتدا به این پرسش و سپس به بیان دیدگاه عدم اعمال تعدد در مورد اشخاص تحت شمول اقدامات تأمینی و تربیتی خواهیم پرداخت.

۳-۱. ماهیت واکنش اجتماعی در قبال اطفال و نوجوانان

قانون‌گذار ایران در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، واکنش اجتماعی در قبال اشخاص ۹ تا ۱۵ سال شمسی در صورت ارتکاب جرایم تعزیری را بدون تعیین جنسیت مشخص نموده و در ماده ۱۴۶ بیان داشته است که افراد نابالغ، مسئولیت کیفری ندارند و در ماده ۱۴۷، سن بلوغ در دختران را ۹ سال قمری و در پسران را ۱۵ سال قمری تعیین نموده است و به دلالت ماده ۱۴۸ در مورد اشخاص نابالغ اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌گردد. لذا این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که ماهیت تصمیمات قیدشده در ماده ۸۸ در قبال دختران بالغ زیر ۱۵ سال چیست؟ آیا مجازات است یا اقدامات تأمینی؟ به طور کلی، درباره این ابهام اساسی حقوقی و قضایی، دو برداشت و دیدگاه ذیل وجود دارد:

نخست: بر طبق یک برداشت، می‌توان چنین ادعا نمود که ماهیت واکنش اجتماعی قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای دختران ۹ تا ۱۵ سال شمسی، اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد (شمس‌ناتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۱/۱)؛ زیرا اولاً، قانون‌گذار در عنوان فصل، از عبارت «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» استفاده نموده است و اگر نظر قانون‌گذار بر مجازات بودن واکنش‌های تعیینی در قبال این اشخاص بود، همانند ماده ۸۹ از واژه «مجازات» استفاده می‌کرد، در حالی که چنین نکرده و از واژه «تصمیمات» استفاده نموده است. ثانیاً، تبصره ۳ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اجازه تجدیدنظر در تصمیمات موضوع این ماده نشانگر آن است که تصمیمات موضوع ماده ۸۸ از نوع اقدامات تأمینی است؛ چرا که اقدامات تأمینی و تربیتی بر خلاف مجازات‌ها، از ویژگی بنیادی تجدیدنظرپذیری متناسب با حالت خطرناک و محو آن تبعیت می‌کند (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۴۴/۳). ثالثاً، صحت این ادعا با توجه به درج عبارت «... یکی از تصمیمات زیر...» و «... مجازات‌های زیر...» در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی به ترتیب درباره اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی و نیز دقت در نوع و طبیعت واکنش‌های اجتماعی مورد اشاره در هر یک از این دو ماده قانونی مذکور و دلالت آن تدابیر از لحاظ ماهیت به ترتیب بر اقدامات تأمینی و مجازات به ویژه با توجه به قید

«مجازات‌های زیر» در ماده ۸۹ و عدم اشاره به آن در ماده ۸۸ و نیز تصریح قانون‌گذار به واژه «مجازات» در ماده ۱۳۴ این قانون، و جهات دیگر قابل درک است. رابعاً، عدم پذیرش چنین دیدگاهی با این واقعیات که افراد تازه به سن بلوغ رسیده، دارای رشد عقلانی تمام و کامل نبوده و سن در راستای تحقق و تشخیص مسئولیت کیفری صرفاً طریقیست دارد، در تضاد است (مؤذن‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۲: ۶). خامساً، مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حاکی از رویکرد جدید قانون‌گذار نسبت به کیفیت مسئولیت کیفری اشخاص کمتر از ۱۸ سال است که در طول قانون‌گذاری بعد از انقلاب بی‌سابقه بوده است (شمس‌ناتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱/۲۲۶) و اساساً قانون‌گذار در ماده ۸۸ این قانون، فرقی بین پسر و دختر قائل نشده است. سادساً، اقدام قانون‌گذار در تعیین واکنش اجتماعی بدون در نظر گرفتن جنسیت در راستای همسویی و انطباق با اسناد بین‌المللی، آن هم در جرایم تعزیری، رویکرد جدیدی بر خلاف قوانین سابق پذیرفته و سن شروع به تعقیب را به صورت مساوی در دختران و پسران پذیرفته است و اسناد بین‌المللی تأکید بر برابری سن شروع به مسئولیت کیفری بدون تبعیض جنسی^۱ و نیز تعیین حداقل سنی دارد که پایین‌تر از آن نتوان افراد اعم از پسر یا دختر را دارای قابلیت نقض قوانین کیفری دانست.^۲ وانگهی، پذیرش این نظر با توجه به شرایط و خصوصیات آسیب‌پذیرتر بودن آنان در مقایسه با افراد ۱۵ تا ۱۸ سال و قاعده تفسیر کودک‌مدارانه و با اهداف و اصول حاکم بر اقدامات تأمینی و تربیتی (از جمله تجدیدنظرپذیر بودن اقدامات تأمینی) و نیز اختیار حاکم در تعیین نوع اقدامات در جرایم تعزیری (التعزیر بما یراه الحاکم) در مقایسه با جرایم مشمول حد و قصاص و نیز اسناد بین‌المللی همسویی دارد.

دوم: بر طبق یک برداشت دیگر، که نگارندگان نیز بدان قائل هستند، بنا به استدلال‌های ذیل می‌توان گفت که ماهیت واکنش اجتماعی قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای دختران ۹ تا ۱۵ سال شمسی، مجازات محسوب می‌شود؛ زیرا اولاً، این اشخاص مسئولیت کیفری دارند که در این فرض، ماهیت واکنش

۱. ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹.

۲. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک و قاعده ۴-۱ مقررات پکن مصوب ۱۹۸۵.

اجتماعی از نوع مجازات می‌باشد (مصدق، ۱۳۹۸: ۴۰۲/۱). ثانیاً، در صورت قائل نبودن به این نظر که ماهیت واکنش اجتماعی از نوع مجازات نمی‌باشد، بلکه اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد، با مواد ۱۴۰ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سازگار نمی‌باشد. ثالثاً، هرچند قانون‌گذار در ماده ۸۸ از لفظ مجازات همانند ماده ۸۹ استفاده نکرده، لیکن از واژه اقدامات تأمینی و تربیتی نیز استفاده نکرده است و اگر نظر قانون‌گذار این بود که در قبال این اشخاص ماهیت واکنش اجتماعی، اقدامات تأمینی محسوب می‌شود، صراحتاً همانند عنوان فصل، از واژه اقدامات تأمینی و تربیتی به جای قید تصمیمات استفاده می‌نمود. رابعاً، اقدام قانون‌گذار در به کار بردن واژه تصمیمات، از سر غفلت و مسامحه نبوده، بلکه با ظرافت خاص و آگاهانه اقدام نموده و از لفظ اقدامات تأمینی به جای تصمیمات استفاده نکرده است؛ چرا که اشخاص موضوع حکم متفاوت می‌باشند؛ یعنی اشخاص دارای مسئولیت کیفری (دختران ۹ تا ۱۵ سال) و اشخاص فاقد مسئولیت کیفری (پسران ۹ تا ۱۵ سال). خامساً، تعیین سن مسئولیت کیفری در حقوق ایران بر اساس موازین فقهی و شرعی می‌باشد و چنین اشخاصی از نظر فقهی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند و عدم پذیرش چنین نظری، با مبانی فقهی و اصول حقوقی مبنی بر تعیین مجازات برای اشخاص دارای مسئولیت کیفری مغایر می‌باشد که البته اصل چهارم قانون اساسی دلالت بر این امر می‌نماید که کلیه قوانین از جمله قوانین جزایی باید بر اساس موازین اسلامی باشد. سادساً، قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از عبارت «در جرائم موجب حد و قصاص، هر گاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ... حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند...» استفاده کرده است. بنابراین عبارت «یکی از تصمیمات ذیل...» در ماده ۸۸ این قانون اطلاق دارد و نه تنها شامل اقدامات تأمینی که شامل مجازات - دربارۀ دختر بالغ زیر ۱۵ سال - نیز می‌شود. وانگهی، این رویکرد قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده ۹۱ کاملاً با مفاد مواد ۱۴۰ و ۱۴۶ تا ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مطابقت دارد که دلالت صریح بر پذیرش مسئولیت کیفری و اعمال مجازات در قبال افراد بالغ از جمله دختر ۹ تا ۱۵ سال دارد. سابعاً، طبق صراحت تبصره ۳ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اجازه تجدیدنظر در

تصمیمات تنها ناظر به بندهای الف و ب این ماده است و شامل دیگر بندها نخواهد شد. لذا تعمیم اجازه تجدیدنظرپذیری به تمام اقدامات مذکور در ماده ۸۸ بر خلاف نص صریح قانون است. ثامناً، با توجه به صراحت قسمت اخیر ماده ۹۱ و مواد ۱۴۶ تا ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی، ماهیت واکنش‌های پیش‌بینی شده در ماده ۸۸ این قانون را بر حسب طفل (اقدام تأمینی) و یا نوجوان بودن (مجازات) باید متفاوت دانست. گرچه ممکن است که نوع برخی از آن‌ها دلالت بر اقدام تأمینی بودن داشته باشد، ولی باید گفت که ملاک و ضابطه تعیین ماهیت هر یک از تصمیمات مذکور در ماده ۸۸، تلقی قانون‌گذار است که همان طوری که بیان داشتیم، از نظر قانون‌گذار شخصی که دارای مسئولیت کیفری باشد، مستحق مجازات است.

۲-۳. عدم اعمال مقررات تعدد در مورد اشخاص تحت شمول اقدامات

تأمینی و تربیتی

بر طبق این دیدگاه، مقررات تعدد جرم در خصوص اشخاصی (اطفال) که اقدامات تأمینی و تربیتی درباره آنان اعمال می‌گردد، قابل اعمال نمی‌باشد؛ چرا که اولاً، اطفال مسئولیت کیفری ندارند و برای این اشخاص اقدامات تأمینی تعیین می‌گردد (زرعت، ۱۳۹۲: ۲/۲۱۳). ثانیاً، مطابق ماده ۱۳۸، اطفال از شمول تکرار جرم مستثنا شده‌اند و در بند ط ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۲ نیز به عدم اعمال مقررات تعدد و تکرار درباره اطفال تصریح گردیده است. زمانی که قانون‌گذار در تکرار جرم که به مراتب سنگین‌تر از تعدد بوده و اقتضای واکنشی سختگیرانه‌تری دارد، اطفال را استثنا می‌کند، روح حاکم بر مقررات ناظر به جرایم اطفال و ملاحظه انگیزه و وضعیت جسمی و روحی اطفال، اقتضا دارد که به طریق اولی از شمول تعدد نیز خارج گردند (توجهی، ۱۳۹۵: ۱۹۵). ثالثاً، برای اشخاص زیر ۹ سال در جرایم تعزیری، هیچ گونه واکنش اجتماعی (مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی) تعیین نشده و نظر به نسخ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با توجه به قید عبارت «جرایم موجب تعزیر...» در ماده ۱۳۴ این قانون و به کار بردن واژه «مجازات» در این ماده، این برداشت وجود دارد که مقررات تعدد

جرم ناظر بر مجازات است و شامل اقدامات تأمینی و تربیتی نمی‌شود که نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه مؤید این استدلال است.^۱

بر این اساس و با توجه به تبیین و تعیین ماهیت واکنش اجتماعی مقرر در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی به شرح مذکور در قسمت قبل، نگارندگان نیز بر این عقیده‌اند که مقررات تعدد در جرایم تعزیری صرفاً درباره افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی، اعم از پسر و دختر قابل اجراست؛ زیرا ماهیت تصمیمات قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اشخاص بالغ زیر ۱۵ سال یعنی دختر و پسر به ترتیب بالای سن ۹ و ۱۵ سال تمام قمری، از نوع مجازات است و طبق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و همچنین بر اساس مفاد ماده ۱۴۸ این قانون درباره افراد نابالغ، اقدامات تأمینی اعمال می‌گردد. بنابراین، نتیجه برخورداری شخص از مسئولیت کیفری، اعمال مجازات درباره وی است. به علاوه قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده ۹۱ قانون مزبور، از عبارت «در جرایم موجب حد و قصاص هر گاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ... حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند...» استفاده کرده است. بنابراین عبارت «یکی از تصمیمات ذیل...» در ماده ۸۸ قانون مذکور اطلاق دارد و نه تنها شامل اقدامات تأمینی که شامل مجازات درباره دختر بالغ زیر ۱۵ سال نیز می‌شود. گرچه در یک نگاه، پذیرش این رویکرد تشدیدگرای قانون‌گذار ایران مبنی بر اعمال مقررات تعدد جرم درباره افراد بالغ زیر ۱۸ سال، با مبانی نظری پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان از جمله اصل تفسیر کودک‌مدارانه، اصل انصاف (برخورد مداراگرایانه)، نظریه برچسب‌زنی و... در تعارض است.

پیرو پذیرش دیدگاه اخیر، این سؤال اساسی قابل طرح است که در فرض جاری نبودن

۱. نظریه مشورتی به شماره ۱۳۹۵/۱۲/۱۵-۷/۹۵/۳۲۶۰ چنین است: «مقررات تعدد جرم، ناظر به مجازات است و در خصوص اطفال، در صورت ارتکاب جرم طبق ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود، نه مجازات؛ در حالی که در خصوص نوجوانان، با عنایت به ماده ۸۹ قانون مذکور، مجازات تعزیری تعیین می‌شود. لذا قواعد تعدد در خصوص اطفال، قابل اعمال نیست، ولی در خصوص جرایم تعزیری ارتکابی توسط نوجوانان، قابل اعمال است» (شاه‌حیدری‌پور و تحصیل‌دوست، ۱۳۹۶: ۸۰).

مقررات تعدد جرم درباره اطفال، تکلیف قاضی در صورت ارتکاب جرایم تعزیری متعدد از سوی آنان چیست؟ در پاسخ به این سؤال دو برداشت ذیل متصور است:

نخست، که نگارندگان نیز با آن موافق می‌باشند، این است که قاضی مخیر به تعیین واکنش اجتماعی برای هر یک از جرایم بین حداقل و حداکثر قانونی بوده و صرفاً از لحاظ تشدید واکنش اجتماعی در قبال این اشخاص منع می‌باشد؛ یعنی منع الزام به تعیین حداکثر و یا بیش از آن در فرض تعدد مانع تعیین واکنش‌های متعدد برای جرایم مختلف نمی‌باشد؛ لیکن فقط یک مجازات یعنی مجازات اشد اجرا می‌شود که رأی وحدت رویه ۳۵-۱۰/۹/۱۳۶۰ هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور در پذیرش رأی شماره ۲۷۴-۸-۲۳/۶/۵۹ شعبه هشتم دیوان عالی کشور مؤید این استدلال است. این نظر با عدالت جزایی و تعیین مجازات جداگانه برای هر یک از جرایم ارتكابی در دادنامه نیز هماهنگ است. در رأی وحدت رویه مزبور چنین بیان شده است: نظر به اینکه بند ۱ ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی (بند ط ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ که در این رأی به اشتباه بند ۱ ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی قید گردیده) صرفاً اعمال مقررات مربوط به تکرار و تعدد جرم را از لحاظ تشدید کیفر درباره اطفال بزهکار منع کرده و تسری به تعیین کیفر متعدد برای جرایم مختلف ندارد. لذا تعیین مجازات قانونی برای هر یک از جرایم متعدد اطفال بدون رعایت تشدید کیفر و به موقع اجرا گذاردن مجازات قطعی موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد و رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور^۱ که بر این اساس صدور یافته صحیح است. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.^۲

۱. متن رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور: «... از طرف محکوم علیه فرجام‌خواه و قیم او اعتراض موجهی به عمل نیامده تا مورد نظر قرار گیرد؛ ولی اشکالی که بر دادنامه فرجام‌خواسته وارد است اینکه محکوم علیه دارای دو اتهام هتک ناموس به عنف و قتل عمد بوده و دادگاه با احراز هر دو فقره از اتهام انتسابی، او را فقط به یک فقره مجازات حبس (بدون تعیین نوع حبس) محکوم کرده است و حال آنکه وظیفه داشته با توجه به سن محکوم علیه بدون رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم برای هر یک از اتهامات انتسابی، مجازات علیحده تعیین کند و مجازات اشد قابل اجرا باشد و چون دادنامه مزبور بدون توجه به مراتب فوق صدور یافته، مخدوش بوده و نقض می‌شود و به تجویز ماده ۴۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه عمومی قزوین ارجاع می‌گردد» (روزنامه رسمی، شماره ۱۰۷۵۶-۱۱/۷-۱۳۶۰).

۲. همان.

دیگری، تعدد جرم ارتكابی مشمول قاعده کلی نبوده و قاضی دادگاه، یک واکنش اجتماعی وفق مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین می‌نماید، بدون آنکه همین واکنش اجتماعی را تشدید نماید؛ یعنی منع اعمال مقررات تعدد جرم علاوه بر منع تشدید واکنش اجتماعی بزهکار، تسری به تعیین واکنش اجتماعی متعدد در جرایم مختلف دارد که رأی شماره ۳۹۴۳-۴/۶/۷-۶۰ شعبه چهارم دیوان عالی کشور مضبوط در رأی وحدت رویه ۳۵-۱۰/۹/۱۳۶۰ هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور مؤید این استدلال است.^۱

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار ایران بر خلاف مقررات تکرار جرم درباره اطفال که حکم خاصی بیان نموده است، در خصوص حکم تعدد جرم در مورد اطفال و نوجوانان سکوت کرده که همین امر موجب پیدایش دیدگاه‌های مختلف شده است.

برخی اعتقاد به اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان به استناد عموم و اطلاق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و عدم ممنوعیت قانونی در این باره - بر خلاف تکرار جرم در خصوص اطفال - دارند. برخی دیگر اعتقاد به عدم شمول مقررات تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان به طور مطلق دارند. دیدگاه سوم که نگارندگان با آن موافق‌اند، عدم شمول مقررات تعدد جرم در خصوص اشخاصی است که اقدامات تأمینی و تربیتی درباره آنان اعمال می‌گردد. به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر با اصول کلی حقوق جزا و روح حاکم بر قانون مجازات اسلامی سازگاری بیشتری دارد. البته در خصوص شمول مقررات تعدد جرم نسبت به گروه سنی بالغ زیر ۱۵ سال تمام شمسی، یک ابهام اساسی وجود دارد.

۱. متن رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور: «... گرچه از طرف فرجام‌خواه اعتراض مؤثری نشده است ولی بر حکم فرجام‌خواسته این اشکال متوجه است که دادگاه با رعایت به این نکته که ارتکاب جرم‌های متعدد به متهم نسبت داده شده، او را به مجازات متعدد محکوم نموده و حال اینکه با توجه به بند ط ماده ۳۲ قانون کیفر عمومی تعیین کیفرهای متعدد موردی نداشته است، بنابراین رأی فرجام‌خواسته به تجویز ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نقض می‌شود و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه عمومی قزوین (جانشین دادگاه اطفال) محول می‌گردد» (همان).

بر طبق یک دیدگاه که نگارندگان با آن موافق‌اند، ماهیت واکنش اجتماعی قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای دختران ۹ تا ۱۵ سال شمسی، مجازات محسوب می‌شود. برخی دیگر معتقدند که ماهیت واکنش اجتماعی قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اشخاص ۹ تا ۱۵ سال شمسی، اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد. اما به اعتقاد نگارندگان، مقررات تعدد جرم درباره کلیه اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی قابل اجراست؛ زیرا ماهیت تصمیمات قیدشده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای دختران بالغ زیر ۱۵ سال، از نوع مجازات است. این ادعا با توجه به صراحت مفاد ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دلالت مفهوم مخالف ماده ۱۴۸ قانون مذکور بر اعمال مجازات درباره افراد دارای مسئولیت کیفری (بالغ)، اشاره صریح قسمت اخیر ماده ۹۱ قانون مزبور به واژه «مجازات» درباره افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی و نیز اطلاق عبارت «یکی از تصمیمات ذیل...» در قسمت صدر ماده ۸۸ این قانون، قابل درک و دفاع است. در فرض جاری نبودن مقررات تعدد در جرم درباره اطفال و نوجوانان، قاضی مخیر به تعیین واکنش اجتماعی برای هر یک از جرایم بین حداقل و حداکثر قانونی بوده و صرفاً از لحاظ تشدید واکنش اجتماعی در قبال این اشخاص منع می‌باشد؛ یعنی منع الزام به تعیین حداکثر و یا بیش از آن در فرض تعدد مانع تعیین واکنش‌های متعدد برای جرایم مختلف نمی‌باشد، لیکن فقط یک نوع واکنش اجتماعی (موردی که از بقیه اشد باشد) اجرا می‌شود.

در پایان، پیشنهاد می‌گردد که قانون‌گذار با الحاق دو بند به ماده ۱۳۴ ق.م.ا. و یا در قالب دو تبصره به شرح ذیل، صراحتاً حکم تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان و نحوه اعمال آن در فرض تعدد جرم ارتكابی را مشخص نماید:

۱- مقررات تعدد جرم در خصوص اطفال قابل اجرا نیست و قاضی مخیر به تعیین واکنش اجتماعی برای هر یک از جرایم بین حداقل و حداکثر قانونی بوده لیکن فقط یک نوع واکنش اجتماعی (اشد) اجرا می‌شود.

۲- مقررات تعدد جرم درباره کلیه افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی، مطابق ماده ۱۳۴ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۹ قابل اجرا خواهد بود.

کتاب‌شناسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ بیستم، تهران، میزان، ۱۳۹۹ ش.
۲. الهام، غلامحسین، مبانی قهقی و حقوقی تعدد جرم، تهران، بشری، ۱۳۷۲ ش.
۳. پیمانی، ضیاءالدین، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۴ ش.
۴. توجهی، عبدالعلی، آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چاپ سوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵ ش.
۵. جعفری، مجتبی، مختصر جرم‌شناسی، تقریر مباحث علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، فروردین ۱۳۸۷ ش.، دسترس‌پذیر در: <http://lawtest.ir>.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸ ش.
۷. زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳، تهران، جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲ ش.
۸. زینالی، امیرحمزه، ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ ش.
۹. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، تهران، جنگل، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی، و فریدون تحصیل‌دوست، قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، به اهتمام معاونت حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. شمس‌ناتری، محمدابراهیم و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. صفایی، سیدحسین، و سیدمرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)، چاپ بیست و ششم، تهران، سمت، ۱۳۹۸ ش.
۱۴. عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، چاپ دوم، تهران، فردوسی، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. متین، احمد، مجموعه رویه قضایی (قسمت کیفری)، چاپ دوم، تهران، رهام، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، جنگل، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، فرشاد چنگایی، و حامد رهدارپور، «مسئولیت کیفری نقصان‌یافته اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری مصوب قانون مجازات اسلامی ۹۲»، ارائه شده در: کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۲ ش.
۲۰. نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرایند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان)، چاپ دوم، تهران، میزان، بهار ۱۳۹۶ ش.

